

دو فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی

سال پنجم، شماره چهاردهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

## حدیث مکرر نقد تصحیح‌های ترجمه رساله قشیری<sup>۱</sup>

اعظم سیامک<sup>۲</sup>

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسؤول)

دکتر زهره نجفی<sup>۳</sup>

استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

رافضه کیوان‌پور

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، اصفهان، ایران.

### چکیده

باتوجه به تعداد فراوان محققان در حوزه زبان و ادبیات فارسی تحقیقات بیشماری در زمینه‌های گوناگون انجام می‌شود. در بیشتر این تحقیقات داوری و پیشینه آن‌ها نیز مرور می‌شود؛ اما باز هم شمار پژوهش‌های تکراری کم نیست. این پژوهش با روش مقایسه‌ای به بررسی هفت مقاله می‌پردازد که درباره یک موضوع، یعنی تصحیح رساله قشیری و ترجمه آن انجام شده است. هدف از نگارش این مقاله آسیب‌شناسی تحقیقات و تصحیحات تکراری و لزوم انجام چنین پژوهش‌هایی است. مسئله اصلی این مقاله بررسی مشابهت‌های هفت مقاله در یک حوزه و موضوع واحد و نشان‌دادن نتایج و دستاوردهای غیرتکراری آن‌هاست که نمونه‌ای از تحقیقات تکراری را نشان می‌دهد. در واقع در این پژوهش یک

---

تاریخ پذیرش: ۹۹/۸/۱۱

تاریخ وصول: ۹۹/۵/۱۹

<sup>۲</sup> azamsiamak2014@gmail.com

<sup>۳</sup> z.najafi@ltr.ui.ac.ir

نمونه از تحقیقات مشابه و تکراری در تحقیقات حوزه ادبیات فارسی بررسی می‌شود و نتایج حاصل از آن نشان می‌دهد که فعالان حوزه ادبیات (به‌ویژه مدرّسان، پژوهشگران و داوران مجلات) باید برای تکراری نبودن موضوعات مقالات چاره‌ای بیندیشند.

## واژه‌های کلیدی

ترجمه رساله قشیریّه، نقد، پیشینه، محتوا، نتیجه

### ۱- مقدمه

برخی از آثار مانند شاهنامه، دیوان خاقانی، دیوان حافظ، عوارف‌المعارف، رساله قشیریّه و مثنوی مولوی در صدر تحقیقات دانشگاهی و غیردانشگاهی بوده‌اند. بسیاری از این آثار علاوه بر شروح متعدد، بارها نیز دستخوش تصحیح شده‌اند. پرداختن به این متون خوب است؛ اما آسیب‌هایی را نیز در پی داشته است؛ از آن جمله است: غفلت پژوهشگران و علاقه‌مندان از سایر متون و تمرکز پژوهشگران بر این متون؛ کشف‌نشدن ظرفیت‌ها و نوآوری‌های دیگر آثار فارسی؛ کم‌شدن کیفیت کارهای تحقیقاتی و «موضوع‌محوری» شدن آن‌ها به جای «مسئله‌محوری» (رک. رضی، ۱۳۹۱: ۱۴)؛ معرفی‌نشدن دیگر متون به جامعه غیرفارسی‌زبان؛ عرضه‌نشدن تصحیحات از متون ناشناخته و کمتر معروف به بازار نشر. در زمینه تصحیح نیز همین آسیب‌ها را می‌توان برشمرد؛ به‌ویژه که مصححان توجهی به مسئله مخاطب ندارند و این پرسش برای آن‌ها مطرح نیست که تصحیح انتقادی و علمی متن مصحح برای چه کسانی و چه تعدادی از خوانندگان علاقه‌مند به این حوزه است؛ به عبارت دیگر ارائه تصحیح علمی و منقح به‌ویژه برای متون یک یا چند بار تصحیح‌شده، چقدر لازم و جدی است. در بسیاری اوقات می‌توان تصحیح مجدد را در قالب یک مقاله در دسترس دیگران قرار داد؛ یعنی می‌توان ایرادات تصحیح یا تصحیحات قبلی را در قالب یک

یا دو مقاله به علاقه‌مندان و خوانندگان و پژوهشگران اطلاع‌رسانی کرد. برخی از دلایل چنین آسیب‌هایی عبارت است از: توجه نکردن مصححان و محققان به نیازهای جامعه علمی و انجام دادن تصحیح و تحقیق تکراری؛ نبودن سامانه جامع داوری مقالات و سهل‌انگاری داوران در زمینه اطمینان درباره پیشینه پژوهش؛ منتشر شدن و حتی نمایه‌نشدن پایان‌نامه‌های دانشجویی؛ ملزم کردن دانشجویان به انجام تحقیقات و تأثیر کارنامه علمی در ارتقای درجات علمی استادان دانشگاهی.

درباره آسیب‌شناسی در حوزه تحقیقات و تصحیحات زبان و ادبیات فارسی مقالات متعددی چاپ شده است. صرف‌نظر از مقالات آسیب‌شناسانه در حوزه‌های خاص مثل ادبیات کودک، ادبیات عامه و... محققان فاضلی مانند احمد رضی و اکبر ایرانی در چندین مقاله و سرسخن و سخنرانی به این مبحث یا مسئله پرداخته‌اند و آسیب‌های فراوانی را برشمرده و گاه پیشنهادهای داده‌اند. در نشریه آینه میراث از سال ۸۴ تا ۹۶ در بیش از ۲۵ شماره، سلسله‌مباحث «آسیب‌شناسی چاپ متون» (برای سرسخن) موضوعاتی از داوری پیش از انتشار مقاله تا برگزاری سمینارها، آسیب‌شناسی شده است؛ اما چنانکه در این نوشتار خواهیم دید، حتی بعضی از همین محققان دغدغه‌مند که درباره این موضوعات قلم‌فرسایی کرده‌اند، در عمل گاهی خطاهایی به‌ویژه در زمینه داوری بخش پیشینه پژوهش‌ها دارند.

#### ۱-۱ بیان مسأله

این نوشتار با مقایسه هفت مقاله که در یک موضوع واحد نگاشته شده، در پی پاسخ به دو سؤال است:

(۱) مشابهت‌های مقاله‌های حاضر کدام است؟

(۲) کدام مقاله یا مقاله‌ها دستاوردها و نتایج غیرتکراری داشته است؟

#### ۲-۱ اهداف پژوهش

– مقایسه انتقادی مقالات نوشته‌شده دربارهٔ یک موضوع واحد (در اینجا تصحیح ترجمه رسالهٔ قشیریّه)؛

– آسیب‌شناسی تحقیقات تکراری؛

– بررسی لزوم تصحیح دوباره و چندباره از یک اثر.

### ۳-۱ پیشینه پژوهش

برای آگاهی از اینکه آیا تاکنون بررسی خاصی دربارهٔ این موضوع صورت گرفته و محصول آن به شکل کتاب، رساله، مقاله یا پایان‌نامه منتشر شده است، پایگاه‌های اطلاع‌رسانی دانشگاه‌ها و کتابخانه‌ها جست‌وجو شد. نتیجهٔ این جست‌وجو نشان داد که هیچ تحقیقی دربارهٔ موضوع مقاله حاضر تألیف نشده است.

یکی از شرایط اصلی پژوهش در مقالات دانشگاهی توجه به پیشینهٔ آن است. پژوهشگر و سپس داوران باید پیشینهٔ پژوهش را بررسی کنند. پژوهشگر در صورتی می‌تواند به تحقیق دربارهٔ یک موضوع تکراری بپردازد که بداند براساس فرضیه‌هایی که مطرح کرده است، به دستاوردهای جدید خواهد رسید و یا نتایج حاصل از تحقیقات قبلی در همان موضوع نقد خواهد شد. متأسفانه این موضوع در بسیاری از تحقیقات فعلی در نظر گرفته نمی‌شود. در این گفتار با مقایسهٔ هفت مقاله دربارهٔ تصحیح ترجمهٔ رسالهٔ قشیریّه نشان داده شده که سه تحقیق اول در این باره کافی بوده و در تحقیقات بعدی نتایج جدیدی به دست نیامده است. صرف‌کردن نمونه‌های متفاوت از تحقیقات قبلی نمی‌تواند نوآوری مقالهٔ جدید را ثابت کند. ضرورت دارد که در درجهٔ اول، نویسندگان مقاله‌ها و سپس داوران و مدیران مسئول مجله‌های علمی بیش‌ازپیش به مسئلهٔ پیشینهٔ تحقیق توجه کنند.

رسالهٔ قشیریّه یکی از منابع مطالعاتی دانشجویان و علاقه‌مندان به عرفان است. بدیع‌الزمان فروزانفر نخستین بار در سال ۱۳۴۵ این رساله را تصحیح کرد. کاستی‌های این تصحیح و نیز نیاز به چاپ تصحیحی منقح و امروزی و افزودن برخی توضیحات و... سبب شد که در

سال‌های اخیر این اثر باز هم تصحیح شود. یک بار در سال ۱۳۹۱ به همت مهدی محبتی و بار دیگر در سال ۱۳۹۶ به کوشش سیده مریم روضاتیان و سید علی اصغر میرباقری فرد این تصحیح انجام شد.

مصححان محترم در هر دو تصحیح در مقدمه کوشیده‌اند دلایل روی آوردن به تصحیح مجدد این اثر را توضیح دهند. سیده مریم روضاتیان و سید علی اصغر میرباقری فرد به نوشتن مقدمه بسنده نکرده و پیش از چاپ کتاب، درباره تصحیح‌های قبلی این اثر و ضرورت ارائه یک تصحیح جدید مقاله‌هایی نوشته‌اند. به تصریح نویسندگان مقالات آنان حاصل یک مقطع پژوهشی مربوط به تصحیح ترجمه رساله قشیریّه بوده است. به جز نامبردگان، چند نفر دیگر هم در نقد تصحیح ترجمه رساله قشیریّه مقاله‌هایی نوشته‌اند. مجموع این مقاله‌ها عبارت است از:

مقاله اول: «کاستی‌های ترجمه و تصحیح رساله قشیریّه» از سیده مریم روضاتیان (استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان)، فصلنامه پژوهش‌های ادب عرفانی، بهار ۱۳۸۶، ش ۱، صص ۱۵۲-۱۴۳. تاریخ وصول مقاله به دفتر مجله ۸۵/۱۰/۴ و تاریخ پذیرش آن ۸۶/۲/۴ است. در این گفتار برای اینکه مخاطبان از ترتیب مقاله‌ها بهتر آگاه شوند و نیز برای جلوگیری از ارجاعات تکراری، این مقاله به صورت «روضاتیان ۱» نشان داده شده است.

مقاله دوم: «ضرورت تصحیح ترجمه ابوعلی عثمانی از رساله قشیریّه» از سیده مریم روضاتیان و سید علی اصغر میرباقری فرد (دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان)، فصلنامه نشرپژوهی ادب فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان، ش ۲۴، بهار ۱۳۸۹، صص ۲۰۶-۱۸۷. تاریخ ارسال مقاله ۸۸/۲/۱۴ و تاریخ پذیرش نهایی مقاله ۸۸/۱۱/۵ است. این مقاله در این گفتار، به صورت «روضاتیان ۲» نشان داده شده است.

مقاله سوم: «ماجرای تصحیح ترجمه رساله قشیریّه» از سیده مریم روضاتیان (دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان)، فصلنامه متن‌شناسی ادب فارسی، ش ۲،

تابستان ۱۳۹۲، صص ۸۷-۹۶. تاریخ وصول مقاله ۹۱/۱۰/۷ و تاریخ پذیرش ۹۲/۲/۲۸ است. در این گفتار، این مقاله به صورت «روضاتیان ۳» نشان داده شده است.

مقاله چهارم: «اهمیت نسخه ایاصوفیا در تصحیح ترجمه رساله قشیریّه» از سیده مریم روضاتیان و علی اصغر میرباقری فرد، فصلنامه متن‌شناسی ادب فارسی، ش ۲، تابستان ۱۳۹۶، صص ۱۰-۱. تاریخ وصول مقاله ۹۵/۳/۵ و تاریخ پذیرش آن ۹۵/۷/۴ است. در این گفتار، این مقاله به صورت «روضاتیان ۴» نشان داده شده است.

مقاله پنجم: «چاپ جدید ترجمه رساله قشیریّه: تصحیح مجلد یا ویرایشی مغلوط؟» از فرزاد مروّجی - نویسندگان در زیرنویس مقاله معرفی نشده‌اند - مجله گزارش میراث، ضمیمه شماره ۳، زمستان ۱۳۹۱، صص ۱۲۴-۱۲۰. تاریخ وصول و پذیرش نیز اعلام نشده است. جست‌وجو درباره نویسنده نشان می‌دهد که فرزاد مروّجی دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی است. او در سال ۱۳۹۱ سرشاخه ادبیات عرفانی در دایره‌المعارف اسلامی شده است. این مقاله در این نوشتار به صورت «مروّجی» نشان داده شده است.

مقاله ششم: «نقد و بررسی تصحیح رساله قشیریّه» از مهدی فدایی مهربانی - نویسنده در زیرنویس مقاله معرفی نشده است - کتاب ماه فلسفه، ش ۶۸، اردیبهشت ۱۳۹۲، صص ۲۳-۲۰. جست‌وجو درباره مؤلف نشان می‌دهد که ایشان عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران است. این مقاله در این نوشتار به صورت «فدایی» نشان داده شده است.

مقاله هفتم: «بررسی انتقادی ترجمه رساله قشیریّه» از معین کاظمی فر (پژوهشگر دوره پست‌دکتری دانشگاه کارولینای شمالی در چپل‌هیل امریکا) و غلامحسین غلامحسین‌زاده (عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس)، دوفصلنامه آینه میراث، ش ۵۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، صص ۳۰۸-۲۹۳. تاریخ دریافت مقاله ۹۴/۱/۱۶ و تاریخ پذیرش ۹۴/۴/۲۰ است. این مقاله در این نوشتار به صورت «کاظمی فر» نشان داده شده است.

مقاله هشتم: «قوت و ضعف تصحیح جدید ترجمه رساله قشیریّه» از علیرضا حاجیان‌نژاد (دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران)، ماهنامه پژوهش‌های انتقادی متن و برنامه‌های علوم انسانی، تیر ۱۳۹۹، صص ۹۹-۱۲۱. تاریخ دریافت مقاله ۱۳۹۸/۰۸/۲۳ و تاریخ پذیرش ۱۳۹۹/۰۲/۰۲ است. مطالب مقاله‌های یک تا هفت، موضوعات واحدی است و مقاله هشتم فقط به نقد تصحیح روضاتیان و میرباقری پرداخته است؛ به همین سبب در ادامه مقاله از بررسی آن صرف‌نظر می‌کنیم.

#### ۱-۴ روش پژوهش

روش این تحقیق مقایسه‌ای است؛ یعنی ابتدا مقالاتی که درباره تصحیح ترجمه رساله قشیریّه هستند، شناسایی و گردآوری شدند؛ سپس اهداف نوشتن این مقالات و محتوای آنها و نتایج به‌دست‌آمده با هم مقایسه شدند. این مقایسه برای این بود که درصد همانندی و مشابهت در هریک از این بخش‌ها نشان داده شود.

#### ۲-۲ بحث

مقایسه مقاله‌های نامبرده در محورهای زیر است:

#### ۱-۲ پرداختن به هدف و پیشینه پژوهش

**روضاتیان ۱:** در این مقاله آمده است: «مترجم رساله قشیریّه توجهش بیشتر به ترجمه لفظ‌به‌لفظ بوده است. مقابله دقیق این ترجمه با متن عربی و تأمل در متن مصحح نشان می‌دهد که در ترجمه فارسی کاستی‌هایی وجود دارد که در برخی قسمت‌ها سبب اختلال در بیان موضوع و انتقال مفهوم اصلی رساله قشیریّه شده است. مصحح کتاب به برخی از این کاستی‌ها اشاره کرده و بخش دیگری از آنها مغفول مانده است. همچنین در تصحیح متن به سبب موضوع اشکالاتی راه پیدا کرده و موجب شده است که در پاره‌ای از عبارتهای کتاب ابهام به وجود آید. در این مقاله چهار باب توبه، ورع، زهد و خلوت از این منظر

بررسی و تحلیل شده و کاستی‌های ترجمه و تصحیح در این چهار باب تبیین شده است» (روضاتیان، ۱۳۸۶: ۱۴۳-۱۴۴).

**روضاتیان ۲:** در مقاله آمده است: «این مقاله در نظر دارد نمونه‌هایی از ترجمه اول و دوم رساله قشیریه را با متن عربی آن مقایسه کند و ضمن پرداختن به برخی ابهامات درباره ترجمه و تصحیح رساله قشیریه، ضرورت تصحیح ترجمه ابوعلی عثمانی را از این اثر تبیین نماید» (همان، ۱۳۸۹: ۱۸۷). همچنین در جای دیگر آمده است: «این مقاله ضمن نقد شیوه استاد فروزانفر در تصحیح ترجمه رساله قشیریه و طرح برخی ابهامات و اشتباهات درباره ترجمه اول و دوم با متن عربی رساله می‌پردازد و ضرورت تصحیح ترجمه اول را بیان می‌کند» (همان: ۱۸۸-۱۸۹).

**روضاتیان ۳:** در این مقاله نوشته شده است: اخیراً تصحیح تازه‌ای از این اثر [ترجمه رساله قشیریه] را مهدی محبتی منتشر کرده که پرسش‌هایی را به دنبال داشته است: آیا تصحیح محبتی از ترجمه رساله قشیریه انتظار خوانندگان را برای روبه‌رو شدن با متنی منقح از این اثر برآورده می‌کند یا اینکه ماجرای تصحیح ترجمه رساله قشیریه به دلیل راه‌یافتن کاستی‌هایی مشابه تصحیح پیشین و یا افزون‌بر آن همچنان ادامه دارد؟ مقاله حاضر برای پاسخ به این پرسش‌ها تدوین شده است (همان، ۱۳۹۲: ۸۷).

**روضاتیان ۴:** در این مقاله می‌خوانیم: با بررسی نسخه ایاصوفیا می‌توان پی‌برد که آن نسخه برای رفع کاستی‌ها و اشتباهات فراوان ترجمه رساله قشیریه بسیار راهگشاست و برخلاف نظر فروزانفر اختلاف‌های میان دو نسخه، بسیار و درخور توجه است. در این مقاله ضمن معرفی نسخه ایاصوفیا، جایگاه آن در تصحیح ترجمه رساله قشیریه در مقایسه با دو نسخه دیگر بررسی شده است (همان، ۱۳۹۶: ۱).

در روش تحقیق آمده است: «روش تحقیق در این پژوهش تحلیلی مقایسه‌ای است. ابتدا نسخه ایاصوفیا معرفی می‌شود و سپس جایگاه آن در مقایسه با نسخه‌های دیگر در ارائه



متنی پیراسته از ترجمه رساله قشیریہ تبیین می‌گردد» (همان: ۲). همچنین در بخشی از مقاله آمده است: «در تصحیح مجدد علاوه بر رفع کاستی‌های بی‌شمار متن، با استفاده از امکانات و ابزارهای نوین براساس روش علمی، متنی پیراسته ارائه خواهد شد» (همان).

**مروّجی:** نویسنده پس از درج عباراتی از تصحیح محبّتی درباره ضرورت تصحیح، به ایرادهای او بر کار فروزانفر نقد می‌کند و می‌گوید: «ایرادی که آقای محبّتی بر کار فروزانفر گرفته‌اند، اصلاً وارد نیست» (مروّجی، ۱۳۹۱: ۱۲۰).

**فدایی مهربانی:** به پیشینه تحقیق اشاره نشده است. درباره هدف آمده است: «تصحیح [محبّتی] دارای مزیت‌های بسیاری نسبت به تصحیح مرحوم فروزانفر و درکل فراتر از آن است و طبیعتاً دارای نقایصی نیز هست که امیدواریم با نقد عادلانه نکات مثبت و منفی مذکور مورد توجه قرار گیرد» (فدایی مهربانی، ۱۳۹۲: ۲۰).

**کاظمی‌فر:** نویسنده پیشینه تحقیق را نیاورده و به ضرورت و اهداف تحقیق نیز به روشنی اشاره نکرده است. در ابتدای مقدمه آمده است: «برخی از ترجمه‌های کهن علی‌رغم اهمیت‌شان از حیث تاریخی، زبانی و سبکی، از دقت و امانت کافی برای انتقال اندیشه‌های نویسندگان برخوردار نیستند و در بسیاری موارد، این‌گونه ترجمه‌ها، مانع از آن شده‌اند که آرا و اندیشه‌های نویسندگان اصلی به درستی منتقل شود؛ زیرا دستخوش سوء تفاهم و بدخوانی بوده‌اند. ترجمه رساله قشیریہ یکی از این آثار است» (کاظمی‌فر، ۱۳۹۵: ۲۹۴).

مقاله روضاتیان ۱ و کاظمی‌فر هر دو درباره یک موضوع هستند. با توجه به اینکه فاصله زمانی وصول دو مقاله به دفتر مجله‌ها بیش از هشت سال است، این فرضیه پیش می‌آید که نویسنده مقاله هفتم از مقاله اول خبر داشته؛ اما در پیشینه تحقیق به آن اشاره نکرده است.

## ۲-۲ محتوا و نمونه‌ها

**روضاتیان ۱:** مقدمه با شرح زندگی ابوالقاسم قشیری آغاز می‌شود و از ورود او به

عرفان و آثار عرفانی‌اش با تفصیل صحبت می‌شود. سپس نویسنده به معرفی رساله قشیریّه می‌پردازد و می‌گوید مترجم اول این اثر ابوعلی عثمانی است و مترجم دوم شناخته‌شده نیست. پس از این به نقطه قوت کار فروزانفر، از قول خودش، اشاره شده است: «چون در بسیاری از موارد نسخه عربی که در دست مترجمان بوده، غلط داشته یا خود مترجمان آن را غلط خوانده و نادرست ترجمه کرده‌اند، در حاشیه عین عبارت عربی را آورده و دیگر بار ترجمه کرده‌ایم. هر دو مترجم سلسله اسناد را چه در روایات و چه در حکایات حذف کرده‌اند و گاهی اسامی را به غلط آورده‌اند. این موارد را نیز از روی متن عربی اصلاح یا در حاشیه یادآوری نموده‌ایم.»

نویسنده مقاله بر آن است که اگرچه توضیحات فروزانفر راهگشاست، برخی اشتباهات که در ترجمه راه یافته، در حاشیه ذکر نشده است و در برخی موارد ترجمه‌ای که در حاشیه آورده شده است، به تأمل بیشتری نیاز دارد (روضاتیان، ۱۳۸۶: ۱۴۵).

بر همین اساس تنه اصلی مقاله ذکر شواهدی از متن عربی و ترجمه مصحح فروزانفر است تا کاستی‌ها و اشتباهات تصحیح ایشان ذکر شود. زمینه تحقیق نویسنده باب‌های توبه، ورع، زهد و خلوت است. این بخش در ذیل چند عنوان آمده است: عبارت‌ها یا واژه‌هایی ترجمه‌نشده از متن عربی؛ وجود ابهام در ترجمه؛ دورشدن از ترجمه لفظ‌به‌لفظ؛ وجود تکرار در ترجمه.

**روضاتیان ۲:** مقدمه مقاله دوم با شرح مختصر ورود ابوالقاسم قشیری به عرفان آغاز می‌شود. سپس نویسندگان بدون ذکر سایر آثار قشیری رساله قشیریّه را مهم‌ترین اثر او دانسته‌اند و ساختار و محتوای این اثر را بیان می‌کنند. نویسندگان در ادامه به معرفی دو ترجمه رساله قشیریّه می‌پردازند و به علت دستیابی به نسخه‌های خطی ترجمه رساله قشیریّه، درباره مترجم دوم نیز اطلاعاتی به دست می‌دهند؛ بنابراین در این مقاله (برخلاف مقاله پیشین) هر دو مترجم معرفی شده‌اند؛ اما به این موضوع اشاره نشده است که مقاله فعلی

حاصل تحقیقات جدید درباره ترجمه رساله قشیریہ است؛ یعنی ضرورت نوشتن مقاله جدید تبیین نشده است. نویسندگان نوشته‌اند که ابوعلی عثمانی رساله قشیریہ را در اواخر عمر قشیری یا کمی بعد از مرگ وی ترجمه کرده است. در اواخر قرن ششم هجری ابوالفتح النیسابوری بر آن شد تا این ترجمه را اصلاح کند؛ اما تنها بخشی از کار ترجمه شد و به علت درگذشت ابوالفتح نیشابوری کار ترجمه ناتمام ماند. نویسندگان پس از ذکر این نکته به معرفی این نسخه‌ها پرداخته‌اند: نسخه مورخ ۶۱۰ ق. که در کتابخانه بریتانیا و نسخه مورخ ۸۵۹ ق. که در کتابخانه ایاصوفیا نگهداری می‌شود. از ترجمه دوم فقط یک دست‌نوشته موجود است: نسخه بدون تاریخ و نام کاتب که در کتابخانه لالاسماعیل است. نویسندگان پس از معرفی مشروح دو نسخه، به نقد کار فروزانفر می‌پردازند و می‌گویند: فروزانفر تنها دست‌نوشته ترجمه دوم را اساس کار تصحیح قرار داده و هر جا متن نسخه بریتانیا به نظرش صحیح بوده، آن را داخل قلاب گذاشته است. آن‌ها در پایان مقدمه گفته‌اند که تصحیح فروزانفر ابهامات و اشتباهاتی دارد که نویسندگان مقاله درصدد بیان آن‌ها هستند. پس از این، ایشان در متن اصلی مقاله پاره‌ای از مطالبی را نقد کرده‌اند که در کتاب تحقیق در رساله قشیریہ آمده است؛ سپس آورده‌اند: «آنچه ضرورتش به‌خوبی احساس می‌شود، ارائه متنی مصحح همراه با تعلیقات دقیق از ترجمه ابوعلی عثمانی است که اینک توسط نگارندگان این مقاله در دست تصحیح است که برای خودداری از تطویل کلام تنها به ذکر نمونه‌هایی از دو دست‌نوشته موجود از ترجمه عثمانی و مقایسه آن با ترجمه دوم و یکی از دست‌نوشته‌های معتبر متن عربی اکتفا می‌شود» (روضاتیان، ۱۳۸۹: ۱۹۵).

زمینه تحقیق نویسندگان در ارائه نمونه‌ها منحصر به بخشی از کتاب نیست و نمونه‌هایی از سراسر متن گزینش شده است. نقطه قوت کار این است که جملات مبهم و دارای اشکال در تصحیح فروزانفر در هر سه نسخه لالاسماعیل و ایاصوفیا و بریتانیا بررسی شده است. هدف نویسندگان این بوده است که نشان دهند فروزانفر به‌علت استفاده نکردن از هر سه

نسخه در بسیاری از مواضع جمله‌های مبهمی به دست داده است. در بخشی از مقاله پس از توضیح روش کار فروزانفر آمده است: «روشن است که استاد فروزانفر در تصحیح و تحشیه ترجمه رساله قشیریّه شیوه تصحیح قیاسی را برگزیده است؛ یعنی متن ترجمه دوم به قیاس با یکی از نسخه‌های ترجمه اول و نیز متن عربی تصحیح شده است» (همان: ۱۹۰).

باید پرسید تعریف نویسندگان از تصحیح قیاسی چیست؟ چون به نظر نمی‌رسد این نوع تصحیح را بتوان قیاسی نامید. یکی از کاستی‌های مقاله دوم در ارائه نمونه‌ها آن است که نویسندگان نمونه‌ها را آورده است، ولی در زیر موارد نیازمند توضیح، خط نکشیده و یا در زیر هر نمونه توضیح نداده است. البته پس از ذکر همه نمونه‌ها توضیحاتی ارائه داده است؛ ولی این روش توضیح درباره نمونه‌ها از نظر دسترسی و فهم دقیق مخاطب مناسب نمی‌نماید.

**روضاتیان ۳:** در مقدمه مقاله سوم به زندگی قشیری اشاره‌ای نشده است؛ بلکه به ترجمه‌های رساله قشیریّه اشاره شده و همان مطالب مقاله قبلی درباره دو مترجم رساله و معرفی نسخه‌ها آمده است؛ اما نویسندگان، هم در آغاز مقدمه به دو مقاله قبلی خود اشاره کرده و هم در پایان بخش معرفی نسخه‌ها و نقد کار فروزانفر به مقاله‌های قبلی خود ارجاع داده است. نویسندگان در متن اصلی مقاله با درج چند عنوان به مقایسه کار محبتی و فروزانفر پرداخته است: تفاوت شیوه تصحیح محبتی و فروزانفر؛ افتادگی‌ها و محذوفات؛ طرح اشکالات نگارشی متن مصحح و حواشی محبتی بر ترجمه رساله قشیریّه. عنوان آخر (حواشی...) دارای دو زیر عنوان است: ترجمه عبارات‌های عربی؛ توضیح ابهامات متن فارسی. در بخش اخیر نویسندگان باب‌های توبه و ورع را برای زمینه تحقیق خود برگزیده است (همان، ۱۳۹۲).

**روضاتیان ۴:** نویسندگان در آغاز مقدمه به سه مقاله قبلی خود درباره تصحیح ترجمه رساله قشیریّه اشاره کرده است. پس از بیان روش تحقیق در دو سطر، همان مطالبی را تکرار کرده که در مقدمه مقاله دوم آورده است؛ یعنی معرفی دو ترجمه رساله قشیریّه و نسخه‌های

موجود از این ترجمه‌ها، ولی به صورت جزئی‌تر و دقیق‌تر: آغاز و پایان نسخه‌ها؛ خط آن‌ها؛ معرفی مترجمان، کاتبان و رسم‌الخط. بحث اصلی مقاله با عنوان «اهمیت نسخه ایاصوفیا در تصحیح متن» است. در این بخش زمینه تحقیق نویسنده متن کل کتاب است.

در ابتدای این بخش می‌خوانیم: «نسخه ایاصوفیا افتادگی زیادی ندارد. خوانا و روشن است و در مقایسه با نسخه موزه بریتانیا با دقت بیشتری نگارش شده است. برای روشن‌تر شدن اهمیت این نسخه در تصحیح ترجمه رساله قشیریہ، نمونه‌هایی در مقایسه با اصل عربی، نسخه بریتانیا و نسخه لالا اسماعیل ذکر می‌شود» (همان، ۱۳۹۶: ۶-۵). در واقع مانند مقاله دوم، هر نمونه در هر سه نسخه بررسی شده است و افزون‌بر آن اصل متن عربی نیز ذکر شده است که نقطه قوت کار است.

ممکن است در طول خواندن مقاله چهارم این پرسش برای خوانندگان پیش بیاید: «آیا نسخه‌های بریتانیا و ایاصوفیا دو نسخه جدا از هم نیستند؟» نویسندگان مقاله تا حدودی به این موضوع پرداخته‌اند؛ اما توضیحات آن‌ها قانع‌کننده نیست. البته ایشان در پایان مقاله وعده داده‌اند که مقاله‌ای در این باره در دست نگارش دارند (همان: ۱۰). به هر حال بهتر بود که در همین مقاله این موضوع به گونه‌ای قانع‌کننده و مفصل بررسی شود.

**مروّجی:** در مقاله پنجم، نویسنده بدون معرفی ترجمه‌های رساله قشیریہ به اصل موضوع پرداخته است و بدون اشاره به کاستی‌های کار محبتی فقط در مقام دفاع از تصحیح فروزانفر برآمده است. نویسنده مقاله پس از نقل قول محبتی درباره ضرورت «چاپ جدید» (!) از ترجمه رساله با توجه به اهمیت نسخه بغداد نوشته است: «ایرادی که آقای محبتی بر کار فروزانفر گرفته‌اند، اصلاً وارد نیست» (مروّجی، ۱۳۹۱: ۱۲۰). سپس کار آقای محبتی را «ویرایشی مغلوط از کار فروزانفر» نامیده و اصالت و دقت همان ویرایش را نیز زیر سؤال برده است. روش کار نویسنده به نقل از خودش چنین است: «در این بررسی نخست به مقایسه عباراتی از چاپ محبتی با عبارت متناظر آن در چاپ فروزانفر پرداخته‌ایم... در ادامه نیز به

مواردی چون افتادگی‌ها، افزودن بیجا به متن، شرح‌های نادرست، نامتمایز بودن ضبط اصل از بدل، نامشخص بودن منابع و تفاوت تصحیح و ویرایش پرداخته شده است» (همان: ۱۲۱).  
 زمینه تحقیق نویسنده چیزی نزدیک به سیصد صفحه از چاپ جدید است که برای قضاوت کفایت می‌کند (همان: ۱۲۱).

این مقایسه‌ها در زیر چند عنوان آمده است: مقایسه عباراتی از این دو چاپ؛ شرح نادرست؛ نامشخص بودن منابع؛ تصحیح یا ویرایش. البته این سؤال پیش می‌آید که آیا در مجموع سیصد صفحه همین تعداد نقد بر تصحیح محبتی وارد بوده است و محقق محترم براساس همین تعداد یعنی بیست و پنج جمله، عنوان مقاله را «ویرایش مغلوط» نهاده‌اند؟ اگر چنین باشد، باید گفت زهی انصاف! ضرورت داشت نویسنده محترم اشاره می‌کرد که چند نمونه در مجموع سیصد صفحه دیده است که از بین آن‌ها بیست و پنج مورد را انتخاب کرده است. یکی از نقاط مثبت این مقاله آن است که به مقاله‌های روضاتیان ۱ و روضاتیان ۲ اشاره شده است.

**فدایی مهربانی:** محتوای این مقاله در سه بخش دسته‌بندی شده است: مزایای تصحیح محبتی نسبت به تصحیح فروزانفر؛ کاستی‌های هر دو تصحیح؛ کاستی‌های تصحیح محبتی (فدایی مهربانی، ۱۳۹۲). زمینه تحقیق نویسنده قید نشده؛ اما ظاهراً کل متن ترجمه رساله قشیریّه بوده است.

**کاظمی فر:** در چکیده آمده است: «مؤلفان این مقاله کوشیده‌اند با مقایسه ترجمه قدیم رساله قشیریّه با اصل عربی آن میزان دقت و صحت آن ترجمه را ارزیابی کنند. این ارزیابی بر مبنای تطبیق سطر به سطر فصل اول ترجمه با اصل عربی *الرساله القشیریّه* صورت گرفته است» (کاظمی فر، ۱۳۹۵: ۲۹۳).

در مقدمه ابتدا به اهمیت و جایگاه ترجمه رساله قشیریّه اشاره شده است. سپس درباره نام مترجم اول به تفصیل بحث شده و به سندهایی اشاره کرده که نام وی در آن‌ها آمده است. بعد

از این درباره ترجمه دوم از رساله صحبت کرده است. وی نوشته است: «درباره ترجمه دوم رساله قشیریہ اتفاق نظر وجود ندارد؛ از سویی به درستی مشخص نیست که آنچه ترجمه دوم خوانده می‌شود، ترجمه‌ای مجدد و مستقل از رساله، یا تحریری اصلاح‌شده از ترجمه نخست است. از سویی دیگر در باب مترجم آن نیز اختلاف نظر وجود دارد» (همان: ۲۹۶).

نویسنده سپس به اختلاف نظرها درباره این ترجمه اشاره کرده است. مقدمه این مقاله تنها این امتیاز را بر مقاله‌های رضائیان ۱ تا ۴ دارد که تصحیح‌های انتقادی از متن عربی را معرفی کرده است؛ اما این توضیحات نیز این کاستی را دارد که تصحیح‌های انتقادی چاپ‌شده در خارج از ایران معرفی شده‌اند؛ ولی نویسنده محترم به متن عربی رساله که دو بار در ایران تصحیح شده است، هیچ اشاره‌ای نکرده‌اند. سایر مطالب مقدمه مشابه مقدمه‌های مقاله‌های رضائیان ۱ تا ۴ و یا نقل مطالبی از دیگر کتاب‌ها و تحقیقات درباره رساله قشیریہ است. نویسندگان در ادامه مقاله به دو تصحیح فروزانفر و محبتی از ترجمه رساله قشیریہ اشاره می‌کنند و می‌گویند: «مطابق گفته‌های هر دو مصحح گرامی، ایشان در تصحیح‌های خود ترجمه رساله قشیریہ را با نسخه‌های عربی آن تطبیق داده‌اند و موارد اختلاف را بیان کرده‌اند؛ اما همان‌گونه که در ادامه خواهیم دید، در عمل به جز موارد معدودی، تطبیق بین متن عربی و فارسی صورت نگرفته است» (همان: ۲۹۹).

پس از این آمده است: «در این مقاله سعی شده است تا میزان اختلاف ترجمه قدیم رساله با متن اصلی آن سنجیده شود. برای این منظور، باب اول رساله قشیریہ، به عنوان نمونه، با ترجمه آن سطر به سطر مقایسه شده و آسیب‌ها و اشکالات ترجمه در سه بخش بیان شده است» (همان: ۳۰۱).

زمینه تحقیق نویسنده باب اول رساله است. مهم‌ترین اشکالات ترجمه رساله قشیریہ در ذیل سه عنوان آمده است: فهم نادرست منظور قشیری و ترجمه اشتباه عبارات عربی؛ حذف مخل و نابجا؛ آمیختگی توضیحات مترجمان با متن کتاب. نویسنده در مقدمه مقاله

تصحیح‌های انتقادی صورت‌گرفته از متن عربی را معرفی کرده و یادآور شده است که اگر مصححان از این تصحیح‌ها بهره برده بودند، بسیاری از اشکالات متن مرتفع می‌شد؛ اما در متن مقاله هیچ نمونه‌ای در این باره ارائه نشده است؛ به عبارت بهتر در نمونه‌هایی که نویسندگان آورده‌اند، تصحیح انتقادی در کار نیست. ارجاع‌ندادن به مطلبی که در ذیل برخی از نمونه‌ها آمده، از دیگر موارد نقدپذیر این گفتار است؛ برای مثال در ذیل یکی از نمونه‌ها به یک باور عامیانه درباره صرع اشاره شده؛ اما نویسنده به هیچ منبعی در این باره ارجاع نداده است. نمونه دیگر هم این است که در کتاب تحقیق در رساله قشیریّه مطلبی از رساله قشیریّه نقل شده است و نویسندگان به جای مراجعه به *الرساله القشیریّه* و ارجاع‌دادن به آن، به کتاب تحقیق در رساله قشیریّه ارجاع داده‌اند (همان: ۳۰۶). همچنین برای دریافت بهتر مخاطبان بهتر بود عین متن عربی بیان می‌شد. یکی از نقاط ضعف کار نویسندگان مقاله هفتم آن است که بیشتر مطالبی که در مقدمه آمده، تکراری است که در دیگر منابع به‌ویژه کتاب تحقیق در رساله قشیریّه آمده است.

یکی از اشتباهات راه‌یافته در متن مقاله به نظر می‌رسد به علت مراجعه‌نکردن مستقیم به نسخه‌ها، بی‌دقتی در نقل توضیحات فروزانفر در مقدمه ترجمه رساله و شتابزدگی برای نتیجه‌گیری از مباحث بوده است؛ برای مثال مدعی شده است: «استاد بدیع‌الزمان فروزانفر... در تصحیح ترجمه رساله از سه نسخه بهره برده است: دو نسخه از ترجمه اول (نسخه موزه بریتانیا و نسخه کتابخانه ایاصوفیه) و یک نسخه از ترجمه دوم (نسخه کتابخانه لالا اسماعیل). مرحوم فروزانفر در هرکدام از قسمت‌های کتاب، یکی از نسخه‌ها را اساس قرار داده است» (کاظمی‌فر، ۱۳۹۵: ۲۹۹). حال آنکه در روضاتیان ۳ با مقایسه متن مصحح فروزانفر و دست‌نوشته‌های موجود از هر دو ترجمه و نیز مطالبی که فروزانفر در مقدمه به‌صراحت بیان کرده، آمده است: «استاد فروزانفر نسخه لالا اسماعیل - یعنی تنها دست‌نوشته از ترجمه دوم - را به‌عنوان نسخه اساس در متن قرار داده و اختلافات نسخه بریتانیا را با آن



در حاشیه ذکر کرده است. البته هر جا که نسخه بریتانیا به نظر صحیح رسیده در داخل قلاب به متن منتقل شده است. نسخه ایاصوفیا چون از اواسط کار به دست مصحح رسیده بود، فقط در مواردی که کلمه‌ای در نسخه بریتانیا قابل تشخیص نبوده، مورد استفاده قرار گرفته است. در هر دو نسخه عبارت‌هایی هست که درست ترجمه نشده و در این موارد، مصحح عین عبارت عربی را در حاشیه آورده و دوباره ترجمه کرده است» (روضاتیان، ۱۳۹۲: ۸۸).

## ۲-۳ نتیجه‌های مطرح شده در مقالات

**روضاتیان ۱:** سطرهای اول نتیجه‌گیری همان مطالبی است که در مقدمه آمده است؛ اما پس از این آمده است: «متأسفانه در ترجمه و در پاره‌ای موارد، در تصحیح متن فارسی رساله قشیریہ برخی اشکالات راه یافته است. کاستی‌های موجود در چاپ فعلی این اثر ذهن خوانندگان را به خود مشغول می‌سازد. برخی از این اشکالات مربوط به عبارت‌ها یا واژه‌هایی است که از عربی به فارسی برگردانده نشده است. عدم ترجمه در این موارد گاهی خللی در متن ایجاد نمی‌کند؛ اما غالباً باعث ایجاد ابهام یا نقص معنایی می‌شود. همچنین در ترجمه رساله قشیریہ جملاتی وجود دارد که نارساست و تنها با مراجعه به اصل عربی می‌توان ابهام این جملات را برطرف کرد. گاهی نیز مترجم با اشتباه خواندن یک کلمه یا استفاده از نسخه‌ای که دارای غلط بوده، ترجمه صحیحی به دست نداده است. از طرفی، گاه مترجم از شیوه ترجمه لفظ به لفظ خارج شده، مطالب را با تصرفات شخصی بیان کرده است. گاهی نیز مترجم با دورشدن از ترجمه لفظ به لفظ باعث ایجاد ابهام در معنی شده است؛ بالأخره در بعضی قسمت‌های ترجمه رساله قشیریہ، اشکال در تصحیح متن موجب ابهام در معنی شده است» (همان، ۱۳۸۶: ۱۵۲).

**روضاتیان ۲:** آنچه در نتیجه آمده است، همان مطالبی است که در مقدمه گفته شده است و تأکید بر اینکه لازم است این اثر دوباره تصحیح شود. در پایان آمده است: «تدوین چنین متنی به همراه تعلیقات لازم برای رفع ابهامات و اشکالات مربوط به ترجمه رساله قشیریہ

راهگشا خواهد بود» (همان، ۱۳۸۹: ۲۰۱-۲۰۲).

**روضاتیان ۳:** نویسنده معتقد است تصحیح دقیق و منقحی از ترجمه رساله قشیریّه صورت نگرفته است. تصحیح محبّتی نیز کاستی‌های تصحیح فروزانفر را جبران نکرده است. سپس به کاستی‌ها و اشکالاتی که در متن مصحح محبّتی راه یافته، اشاره کرده است (همان، ۱۳۹۲: ۹۵-۹۶).

**روضاتیان ۴:** نویسنده معتقد است نسخه ایاصوفیا - که فروزانفر از آن بی بهره بوده است - از نسخه بریتانیا صحیح‌تر و به اصل عربی نزدیک‌تر است. و چنین نتیجه می‌گیرد: «بنابراین شایسته است به این نسخه در جایگاه نسخه اساس برای تصحیح ترجمه رساله قشیریّه توجه شود و با نسخه موزه بریتانیا مقابله گردد. استفاده از نسخه لالاسماعیل و اصل عربی و نیز تدوین تعلیقات دقیق برای رفع کاستی‌های راه‌یافته در این دو نسخه لازم است» (همان، ۱۳۹۶: ۹).

**مروّجی:** چون این مقاله دانشگاهی نیست، ساختار آن نیز مطابق با مقاله‌های علمی - پژوهشی نیست و بحثی با عنوان نتیجه در آن نیامده است؛ اما سطرهای پایانی آن نتیجه نویسنده را نشان می‌دهد: «چاپ آقای محبّتی فارغ از ویرایش متن که بسیار ضروری بود و خالی از فایده هم نیست و تعلیقاتی که گاه مفید است، به‌دلیل عدول فراوان از متن و اشتباه‌های روشی نمی‌تواند متن معیار باشد. در ابتدای این نقد به یکی از خصائل استاد فروزانفر اشاره کردیم. ادعای او همسنگ عملش بود. هیچ‌کس بر فروتنان خرده نمی‌گیرد. خرده بر کار کسانی است که جو را گندم و گنجشک را قناری می‌نمایند» (مروّجی، ۱۳۹۱: ۱۲۴).

**فدایی مهربانی:** این مقاله نیز دانشگاهی نیست و از آن نمی‌توان انتظار ساختار یک مقاله علمی - پژوهشی داشت. مقاله پس از ذکر نمونه‌ها با جمله «و آخر دعوانا الحمد لله رب العالمین» (فدایی مهربانی، ۱۳۹۲: ۲۳) به پایان رسیده است.

**کاظمی فر:** نویسنده از مقایسه اصل عربی با دو تصحیح صورت گرفته نتیجه گرفته است که «به جز موارد معدودی تطبیق میان متن عربی و فارسی صورت نگرفته است؛ از این رو در بسیاری از موارد، ترجمه فارسی با متن عربی رساله اختلاف دارد و متن فارسی دچار آشفتگی و ضعف تألیف و ابهام است. بسیاری از این ضعف‌ها با رجوع به چاپ‌های انتقادی رساله قشیریہ به زبان عربی، به راحتی قابل رفع بوده است. از این گذشته در تصحیح تازه محبتی بعضی از عبارات عربی به نادرستی ترجمه شده که شایسته است در چاپ‌های بعدی مورد بازبینی قرار گیرند» (کاظمی فر، ۱۳۹۵: ۳۰۷).

### ۲- نتیجه گیری

جدول زیر محتوای مطالب هفت مقاله نامبرده را نشان داده است:

#### جدول شماره یک: درون‌مایه مقالات

موضوع	منبع اول	تکرار مطالب
زندگی نامه قشیری	روضاتیان ۱	روضاتیان ۲
اهمیت رساله قشیریہ	روضاتیان ۱	روضاتیان ۲، فدایی مهربانی، کاظمی فر
مطالب و ساختار رساله قشیریہ	روضاتیان ۱	روضاتیان ۲
معرفی ترجمه ابوعلی	روضاتیان ۱	روضاتیان ۲، روضاتیان ۳، روضاتیان ۴، فدایی مهربانی، کاظمی فر
معرفی ترجمه ابوالفتوح	روضاتیان ۱	روضاتیان ۲، روضاتیان ۳، روضاتیان ۴، کاظمی فر
شرح روش فروزانفر در تصحیح رساله	روضاتیان ۱	روضاتیان ۲، روضاتیان ۳، روضاتیان ۴، مروّجی، فدایی مهربانی، کاظمی فر
نقد روش فروزانفر در تصحیح	روضاتیان ۱	روضاتیان ۲، روضاتیان ۳، روضاتیان ۴، فدایی مهربانی، کاظمی فر
نقد ترجمه ابوعلی با مقایسه ترجمه او با متن عربی	روضاتیان ۱	
معرفی نسخه‌های دو ترجمه	روضاتیان ۲	روضاتیان ۳، روضاتیان ۴
مقایسه نمونه‌هایی از ترجمه اول و دوم رساله قشیریہ	روضاتیان ۲	

		با متن عربی آن
مروّجی، فدایی مهربانی، کاظمی فر	روضاتیان ۳	شرح روش محبّتی در تصحیح
	مروّجی	بیان نقدهای محبّتی بر کار فروزانفر
مروّجی، فدایی مهربانی، کاظمی فر	روضاتیان ۳	نقد روش محبّتی در تصحیح
	فدایی مهربانی	برتری‌دادن تصحیح محبّتی بر تصحیح فروزانفر
کاظمی فر	روضاتیان ۳	ذکر نمونه‌های اشتباه در تصحیح فروزانفر و محبّتی
	روضاتیان ۴	معرفی دقیق نسخه ایاصوفیا از نظر محتوا
	روضاتیان ۴	شرح اهمیت نسخه ایاصوفیا در تصحیح متن رساله به همراه ارائه نمونه‌هایی از متن عربی
	کاظمی فر	معرفی تصحیح‌های متن عربی رساله قشیریه

نگاهی به جدول شماره یک نشان می‌دهد که بیشتر مطالب مندرج در مقاله‌ها تکراری است.

جدول شماره دو، آن بخش از متن ترجمه رساله قشیریه را نشان می‌دهد که در مقاله‌های نامبرده بررسی شده است.

#### جدول شماره دو: بخش‌های بررسی شده مقالات

مقاله‌ها	بخش‌های بررسی شده
روضاتیان ۱، روضاتیان ۳	باب‌های توبه، ورع، زهد و خلوت
روضاتیان ۲، روضاتیان ۴، فدایی مهربانی	کل ترجمه رساله قشیریه
مروّجی	سیصد صفحه از تصحیح محبّتی
کاظمی فر	باب اول رساله و ترجمه آن

مقایسه انتقادی هفت مقاله تألیف‌شده درباره ترجمه رساله قشیریه نتایج زیر را نشان می‌دهد:

مقاله‌های روضاتیان ۳ و مروّجی، هر دو، در نقد تصحیح محبّتی نوشته شده است. تاریخ درج‌شده در آن‌ها نشان می‌دهد که مقاله روضاتیان ۳ در تاریخ ۹۱/۱۰/۷ به دفتر مجله ارسال شده و مقاله مروّجی در زمستان ۱۳۹۱ چاپ شده است؛ بنابراین انتظار نمی‌رود که

روضاتیان از کار مروّجی خبر داشته باشد.

مقاله فدایی مهربانی نیز در نقد تصحیح محبّتی و فروزانفر نوشته شده است. تاریخ چاپ مقاله اردیبهشت ۱۳۹۲ است. بعید به نظر می‌رسد که نویسنده از مقاله مروّجی، چاپ شده در زمستان ۱۳۹۱، بی‌خبر باشد. مقاله روضاتیان ۳ در تابستان ۱۳۹۲ چاپ شده است و انتظار نمی‌رود فدایی مهربانی از متن آن آگاهی داشته باشد.

مقاله‌های روضاتیان ۱ و ۲ در نقد کار فروزانفر نگاشته شده است؛ ولی هریک به بخشی از موضوع پرداخته‌اند؛ یعنی مقاله اول به مقابله ترجمه مصحح فروزانفر با متن عربی رساله پرداخته است. مقاله دوم به نقص‌ها و اشکالات کار فروزانفر و نقد روش او به‌ویژه در استفاده نکردن از نسخه ایاصوفیا اختصاص یافته است.

همه مقاله‌ها به‌جز مقاله ششم به هدف و ضرورت کار خود اشاره کرده‌اند.

مشابهت مقدمه مقاله‌های روضاتیان ۱ تا روضاتیان ۴ برای خوانندگانی که هر چهار مقاله را به‌دنبال هم بخوانند، کسالت‌بار و تکرار مطالب است؛ اما کسانی که یکی از این مقاله‌ها را بخوانند، از این مقدمه‌ها بی‌نیاز نیستند. با این حال نویسنده (نویسندگان) محترم می‌توانستند با ارجاع به مقاله‌های قبلی خود، از تکرار مطالب پرهیز کنند و مطالب دیگری را در مقدمه‌ها بگنجانند یا با آوردن یک مقدمه کوتاه بر نمونه‌های متن بیفزایند.

مقاله مروّجی در پنج صفحه تدوین شده است. خوب بود نویسنده محترم به تعداد همه موارد اختلاف و شواهد، اشاره و سپس اضافه می‌کرد که از بین این شواهد، این تعداد برای گزارش دادن انتخاب شده است. دفاع از تصحیح فروزانفر یک بحث است و صحبت از ایرادات فنی تصحیح محبّتی بحث دیگری است که نویسنده هر دو را در یک مقاله جای داده است؛ به عبارت بهتر تعداد شواهد ارائه شده در این مقاله برای قانع کردن مخاطب کافی نیست. نویسنده به‌درستی همه‌جا کار محبّتی را «چاپ» و نه «تصحیح» دانسته است.

مهم‌ترین نقدی که بر مقاله فدایی مهربانی وارد است، این است که موضوع مقاله از

حوزه تخصص نویسنده مقاله خارج است. همچنین این نکته که نویسنده به پیشینه تحقیق پرداخته، از کاستی‌های اصلی پژوهش است.

عنوان مقاله کاظمی فر چنین است: «بررسی انتقادی ترجمه رساله قشیریّه». این عنوان گویای این مطلب نیست که منظور کدام تصحیح است: تصحیح محبتی یا فروزانفر. به ویژه که نویسندگان نمونه‌ای از کار محبتی را هم نقد کرده‌اند. دیگر اینکه «بررسی انتقادی» آیا همان «نقد» نیست؟

بخش اصلی این پژوهش مقایسه مقاله‌های روضاتیان ۱ و کاظمی فر است. ممکن است این تصور پیش بیاید که در مقاله هفتم نتایج جدید و متفاوتی نسبت به چهار مقاله اول (روضاتیان ۱ تا ۴) ارائه شده است؛ ولی ساختار یکسان و موضوع واحد و نتایج یکسان با چهار مقاله اول این گمان را تقویت می‌کند که نویسندگان مقاله هفتم از کار نویسندگان چهار مقاله اول چندان هم بی‌خبر نبوده‌اند. این دو مقاله ساختار یکسانی دارد و از عنوان‌های مشابه در متن برای ذکر نمونه‌ها بهره برده است. عنوان‌هایی که کاظمی فر انتخاب کرده، چنین است: فهم نادرست منظور قشیری و ترجمه اشتباه عبارات عربی؛ حذف مخل و نابجا؛ آمیختگی توضیحات مترجمان با متن کتاب. روضاتیان ۱ نیز آورده است: عبارت‌ها یا واژه‌هایی که از متن عربی ترجمه نشده است؛ وجود ابهام در ترجمه؛ دورشدن از ترجمه لفظ به لفظ؛ وجود تکرار در ترجمه. با توجه به دقت فراوان نویسندگان مقاله هفتم در واریسی تصحیح‌های عربی از رساله قشیریّه و پیگیر شدن سندهایی درباره نام و نشان مترجم رساله قشیریّه، عجیب به نظر می‌رسد که از مقاله‌هایی که پیش از آغاز کار آن‌ها به چاپ رسیده است، بی‌خبر بوده باشند.

مقایسه مقاله روضاتیان ۲ و کاظمی فر هم نشان می‌دهد که ساختار مطالب که در مقدمه این دو مقاله آمده، یکسان است. اختلاف آن‌ها در این است که کاظمی فر از تصحیح‌های انتقادی از متن عربی رساله قشیریّه نام برده که در خارج از ایران به چاپ رسیده است. البته



- ترجمه رساله قشیریّه، متن‌شناسی ادب فارسی، ش ۲، ۸۷-۹۶.
۶. عثمان، ابوعلی (۱۳۸۳)، ترجمه رساله قشیریّه، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: علمی و فرهنگی.
۷. القشیری، عبدالکریم (۱۳۷۴)، الرساله القشیریّه، ج ۱، تحقیق عبدالحلیم محمود و محمود بن شریف، قم: بیدار.
۸. کاظمی فر، معین؛ غلامحسین زاده، غلامحسین (۱۳۹۵)، «بررسی انتقادی ترجمه رساله قشیریّه»، آینه میراث، ش ۵۹، ۲۹۳-۳۰۸.
۹. مروّجی، فرزاد (۱۳۹۱)، «چاپ جدید ترجمه رساله قشیریّه: تصحیح مجدد یا ویرایشی مغلوط؟»، گزارش میراث، ضمیمه شماره ۳، ۱۲۰-۱۲۴.